

آداب اخلاقی گفتگو در منابع تفسیری

با تاکید بر کلام حضرت زینب (سلام الله علیها)

چکیده

سخن گفتن به عنوان یک امر ابتدایی و بی هزینه ممکن است در ابتدا بسیار آسان بنظر برسد اما این نعمت بی بدیل خداوند که جزء یکی از ویژگی های برتر انسان ها است اگر درست، به موقع، به جا و با آداب همراه نباشد خسارات زیان باری به دنبال خواهد داشت. دین مبین اسلام برای تمامی اعمال مسلمانان آدابی را وارد نموده و برای گفتگو آدابی بیان کرده است که در صورت رعایت، سخن انسان تاثیرگذار و نافذ خواهد بود. برخی از آداب اخلاقی که در خطبه های حضرت زینب (سلام الله علیها) می توان یافت که مطابق با تفاسیر آیات از قرآن کریم است شامل: حقیقت گویی، در موقعیت مناسب از کلمات تند استفاده کردن، سخن استوار گفتن، بردباری و استقامت می باشد. رعایت آداب اخلاقی در گفتگو باعث تاثیرگذاری سخن در اکثر مخاطبین و در هر شرایطی می باشد به گونه ای که حتی پلیدترین افراد هم یارای مقابله با آن را ندارند و مجبور به پذیرش آن می شوند، و این سخن حتی در جایی که شرایط سخنرانی نیست باز هم تاثیر خود را بر مخاطب می گذارد، در این مقاله تلاش شده تا آداب اخلاقی گفتگو با توجه به تفسیر آیات قرآن کریم و سیره ی حضرت زینب (سلام الله علیها) که به شیوه ی توصیفی و کتابخوانی جمع آوری شده، بیان شود. ان شاء الله که مفید فایده برای شما خواننده گرامی باشد.

واژگان کلیدی: آداب، اخلاق، تفسیر، گفتگو، منابع.

مقدمه

از مهمترین ویژگی های انسان قدرت تکلم او است، و این همان ویژگی ای است که باعث برتری او بر سایر حیوانات شده است. زبان وسیله ی تکلم بشر است که همواره باید تدابیر لازم جهت کنترل آن را داشته باشد. از نظر دین مبین اسلام گفتگو نقش اساسی در آگاه شدن مردم از حقایق هستی و دستیابی به بهترین روش زندگی دارد. گفتگو از ابتدای ظهور دین مبین اسلام نقش بسزایی در آشکارسازی حقایق داشته و این آشکارسازی بعد از واقعه ی عاشورا به نقطه ی اوج خود می رسد، آن اتفاقات سخت و ناگوار سرزمین کربلا بانویی را می طلبد که در دامن پر از مهر و علم و آگاهی حضرت زهرا (سلام الله علیها) تربیت شده باشد، مادری که خطبه ها و سخنان بی بدیلی در دفاع از امام و مولای خود بیان کرده است، و پدری همچون مولا علی (علیه السلام) که در سخنوری و بلاغت و فصاحت خداوند یکتا احدی چون او نیافریده باشد.

حضرت زینب (سلام الله علیها) در عفت و حیا همانند مادر گرامی شان حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و در علم و دانش و سخنوری همانند پدر گرامی شان حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و در شجاعت و مظلومیت چون برادر گرامی شان امام حسین (علیه السلام) بودند، لغدر زمینه‌ی آداب گفتگو کتاب‌ها و مقالات بسیاری به نگارش درآمده است؛ مانند: ۱- کتاب اخلاق گفتگو نوشته‌ی علی محمد حسین زاده، این کتاب در ۵ فصل تلاش کرده تا با تبیین اخلاقی گفتگو مدل و الگوی یک گفتگوی سالم را ارائه دهد و در انتها مدل و الگوی گفتگوی مطلوب و راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق گفتگوی اخلاقی اشاره دارد. ۲- کتاب آداب گفتگو (گفتگوی موثر مهارتی گم شده) نوشته‌ی علی اصغر رضوانی، ۳- کتاب آداب گفتگو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات نوشته‌ی علی اصغر رضوانی است که این کتاب به ضرورت و آداب گفتگو و آفات آن پرداخته است و به نمونه‌هایی از مناظرات مطرح در قرآن کریم و روایات و نکات قابل توجه در آنها اشاره شده است. اکثر کتب و مقالاتی که در این زمینه چاپ شده یا بصورت کلی به آیات قرآن کریم و سیره‌ی معصومین (علیهم السلام) پرداخته یا اگر به سیره‌ی ائمه معصوم (علیهم السلام) نیز پرداخته، توجه خاص به سیره‌ی حضرت زینب (سلام الله علیها) نداشته و همچنین در این کتب و مقالات گفتگو همراه با مناظره بیان شده و آداب مناظره را نیز بیان کرده‌اند. در این مقاله تلاش شده که آداب اخلاقی گفتگو را بر مبنای تفسیر آیات قرآن کریم و سیره‌ی حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) بیان کنیم و این وجه تمایز این مقاله با سایر کتب و مقالات می‌باشد.

در مقام بیان ضرورت باید گفت همانطور که تمامی اعمال مادی و معنوی انسان‌ها در دین مبین اسلام آداب و رسوم خاصی دارد که رعایت آنها پیامدهای مثبتی در پی دارد، برای سخن گفتن و گفتگو با افراد مختلف نیز در قرآن کریم آدابی وارد شده است که اگر انسان خواهان سعادت و نیک بختی باشد و آن آداب را رعایت کند، سخنش بی تاثیر نخواهد بود و در صورت عدم رعایت آداب سخنوری و گفتگو مشکلات غیرقابل حل همراه با عواقب جبران ناپذیری او را تهدید میکند.

سوال اصلی

- آداب اخلاقی گفتگو با توجه به آیات قرآن کریم و سیره‌ی حضرت زینب (سلام الله علیها) کدامند؟

سوالات فرعی

- با توجه به آیات قرآن کریم چه آدابی برای گفتگو وارد شده است؟
- حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) هنگام گفتگو با افراد مختلف چه آدابی را رعایت می‌نمودند؟

هدف ما از انجام این تحقیق این است که همه با سیره‌ی حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) و دستورات خداوند در زمینه‌ی گفتگوی اخلاقی و آداب آن آشنا شده و در برخورد با انسان‌هایی در جایگاه‌های مختلف، رفتار مناسب داشته باشند، زیرا برقراری ارتباط از ابتدایی‌ترین ابزار بشر است که اگر استفاده درست و صحیح از آن نشود می‌تواند آثار و نتایج مخربی را به همراه داشته باشد، و بهتر آن است که برای این روش برقراری

ارتباط آدابی که در قرآن مجید و سیره‌ی معصومین (علیهم السلام) آمده را رعایت کنیم، ان شاء الله که این مطالب برای شما خواننده‌ی گرامی مفید واقع شود.

الف – مفاهیم

موضوعی که در این مقاله قرار است به آن پرداخته شود آداب اخلاقی گفتگو است لذا قبل از پرداختن به موضوع مقاله لازم است که برای فهم بیشتر و بهتر از متن مقاله با مفهوم و معنای واژگان مرتبط با موضوع آشنا شویم.

یک: آداب

(۱) معنای لغوی

- جمع ادب، رسوم، عادات، روش‌های پسندیده،^۱ روش‌های نیکو، عادات و رسوم.^۲
- چم و خم، حُسن محضر، اخلاق حسنه، حسن معاشرت، خصال حمیده، فضیلت مردمی.^۳

(۲) معنای اصطلاحی

- «آداب» جمع «ادب» به معنای فراگیری دانش‌های متفاوت و علوم و محاسن اخلاقی بوده و نیز گاهی در مورد اشخاص و یا اشیا به کار می‌رود: مانند آداب وضو، آداب خواب، آداب نماز و

زمانی که صحبت از ادب می‌شود، هدف رفتاری خاص و سنجیده مطابق با افراد پیرامون می‌باشد. این رفتار که از تربیت نیکو سرچشمه می‌گیرد به تمامی رفتارهای آدمی اعم از راه رفتن، صحبت کردن، نوع نگاه و درخواست، معاشرت و مربوط می‌باشد. در واقع ادب آن سرشتی است که انسان در هر مکان و هر جایگاهی که باشد، در ملأعام یا خلوت و تنهایی خویش باشد هیچ کدام برایش فرقی ندارد و خود را همیشه ملزم به رعایت آن می‌داند.

دو: اخلاق

(۱) معنای لغوی

^۱ - معین، فرهنگ فارسی، ص ۳۷.
^۲ - عمید، فرهنگ فارسی، ص ۲۲.
^۳ - دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۷۹.

- جمع خلق، خوی‌ها، کهنه شدن، کهن شدن، کهنه کردن، کهنه پوشانیدن، جامه‌ی کهنه پوشانیدن.^۱

- جمع خُلُق به معنی خوی، طبع، مروت، دین.^۲

(۲) معنای اصطلاحی

- اخلاق معنوی: طبیعت باطنی، سرشت درونی. علم اخلاق یا تهذیب نفس یکی از شعب حکمت عملی است و آن دانش بد و نیک خوش‌ها و تدبیر انسان است برای نفس خود یا یک تن خاص.^۳
- اخلاق سیئه: اخلاق نکوهیده و ناپسندیده.

اخلاق ضابطه‌ای است که بر اجرای آداب مسلط است، در واقع آن چیزی که سبب پایبندی انسان به رعایت آداب می‌شود، اخلاق است، آداب در جوامع و گروه‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد، اما اخلاق در هر حال امری ثابت است. اخلاق در واقع آن صفات نفسانی در انسان است که در عمق وجود او رسوخ کرده بگونه‌ای که در هر شرایطی بدون تفکر و تأمل افعال متناسب از او صادر می‌شود. در این مقاله مراد ما از اخلاقی بودن آداب گفتگو، درستی و خوبی آن است و ما به آدابی که از نظر دین مبین اسلام صحیح هستند می‌پردازیم.

سه: گفتگو

(۱) معنای لغوی

- گفت و شنود، مکالمه، آوازه، شهرت، خبر، قضیه، صحبت، بحث، سخن، هنگامه و پرخاش.^۴

(۲) معنای اصطلاحی

- باهم سخن گفتن، برای هم سخن گفتن، برای افرادی سخن گفتن.^۵

ارتباط کلامی بین یک یا چند نفر، سخن گفتن افراد با یکدیگر، البته به معنای سخنرانی و خطبه هم به کار رفته است به معنای اینکه فردی برای تعدادی از افراد سخن بگوید.

چهار: منابع

^۱ - دهخدا، لغت نامه، ج ۱، ص ۱۵۳۷.

^۲ - همان.

^۳ - معین، فرهنگ فارسی، ص ۱۰۷.

^۴ - همان، ص ۱۴۶۷.

^۵ - دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۹۱۸۸.

^۶ - عمید، فرهنگ فارسی، ص ۸۷۴.

(۱) معنای لغوی:

- جمع منبع، چشمه، اصل، منشاء.^۱
- جای جوشیدن و بیرون آمدن آب، اصل و منشأ.^۲

(۲) معنای اصطلاحی:

- چشمه و سر چشمه و این صیغه‌ی اسم ظرف است از نبوع که به معنی برآمدن آب است از زمین، محل خروج آب.^۳
- خواستگاه و بن مایه‌ی چیزی که از آن نشأت گرفته و سودمند است. به عبارتی دیگر محل شکل گیری و جایگاه قرار گرفتن اصل، چیزی که از آن سود بدست آید و سبب سودمندی شود.

پنجم: تفسیر

(۱) معنای لغوی:

- معنی کلامی را بیان کردن، واضح و آشکار ساختن معنی سخن، شرح و بیان.^۴
- علم تفسیر: علم بیان کردن و توضیح دادن معانی آیات قرآن و احادیث.^۵
- در اصل به معنای آشکار ساختن و هویدا کردن، شرح کردن کلام خدا، کشف کردن ظاهر قرآن، بیان ادراک معانی و حقایق قرآن.^۶
- راغب اصفهانی در کتاب مفردات خود کلمه تفسیر را از ماده‌ی فسر به معنای اظهار معنای معقول تعبیر کرده است.^۷
- در دائرة المعارف بزرگ اسلامی تفسیر را اینگونه تعریف کرده‌اند: اصطلاحی که در علوم انسانی به استخراج معارف و توضیح آیات قرآن مجید می‌پردازد.
- در کتاب المیزان تفسیر را بیان معنای آیات قرآن مجید، روشن ساختن و کشف اهداف و مفاهیم آیات، رفع ابهام و روشن سازی معنای باطنی و درونی الفاظ معنا کرده است. این تعریف شامل دو بخش می‌شود: بخش اول بیان مفاهیم آیات به خودی خود و بدون در نظر

^۱ - معین، فرهنگ فارسی، ص ۱۸۲۶.

^۲ - عمید، فرهنگ فارسی، ص ۹۷۷.

^۳ - دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۱۵۷۸.

^۴ - پاکتچی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ص ۶۸۰.

^۵ - عمید، فرهنگ فارسی، ص ۳۵۴.

^۶ - دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۸۵۴.

^۷ - اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 636.

اراده خداوند بر این تعلق گرفته و این سنت قابل دگرگونی و تغییر نمی‌باشد.^۱ در رابطه با حضرت زینب (سلام الله علیها) هم یکی از ویژگی‌های برجسته ایشان مقام صبر ایشان و راضی بودن به قضای الهی بوده است، این ویژگی زمانی نمود پیدا می‌کند که حضرت بعد از دیدن آن همه سختی و مصائب در مجلس ابن زیاد که پست‌ترین افراد زمان خود بود از چنین فردی بشنود که دیدی «کیف رأیت صنع الله باخیک و اهل بیتک»^۲ خداوند با برادر و خاندان تو چه کرد، ابن زیاد ملعون می‌خواست در اینجا با زخم زبان باعث شود که باعث عصبانیت حضرت زینب (سلام الله علیها) شود و به شکلی صحنه را تصویر سازی کند که گویی ابن زیاد وکیل خداوند بوده است در اینکه بهترین بندگان خداوند و فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به قتل برساند، ولی این ملعون موفق نشد، حضرت فرمودند «ما رأیت الا جمیلاً»^۳ چیزی ندیدم جز خوبی و زیبایی، این جمله، جمله‌ای نیست که از روی خشم و ناراحتی گفته شده باشد، یا برای مقابل به مثل کردن با آن فرد این جمله را گفته باشد، حضرت چنین تربیت نشده‌اند، ایشان فرزند حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) هستند و بهترین مربیان تربیتی عالم را داشته‌اند، به همین جهت هیچ وقت از روی خشم این جمله را نمی‌گفتند، بلکه حقیقت محض را بیان فرمودند، حضرت زینب (سلام الله علیها) با آن قدرت روحی بالایی که از خداپرستی و عقاید محکم ایشان نشأت گرفته بود به محکمی جواب آن شیطان صفت را دادند و در مقابلش ایستادند و با لحنی که نشان از شجاعت و رضایت و صبر است می‌گویند چیزی جز زیبایی ندیدم، و ادامه می‌دهند «هولاء قوم کتب الله علیهم القتل فبرزوا الی مضجعهم»^۴ این پاکان و بزرگان کشته شدن را خداوند برایشان مقدر کرده بود پس به سوی جایگاهشان رفتند، با این پاسخ اینگونه حضرت زینب (سلام الله علیها) به آن ملعون فهماندند که شهادت آن پاکان و بزرگان اجلی بود که خداوند بر اساس سنت خودش برای آن‌ها قرار داده بود نه عنوان غضب و مجازات. اینگونه است که می‌توان ادب بردباری و استقامت را در کلام و رفتار حضرت مشاهده کرد.

پنجم: بیان شیوا و رسا داشتن

«وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۵ «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۶ آنچه مشترک در این آیات است و خداوند در موقعیت‌های مختلف از انسان خواسته است،

^۱ - جعفری، تفسیر کوثر، ج ۳، ص ۳۷۷.

^۲ - جزائری، ریاض الابرار فی مناقب الائمة اطهار، ج ۱، ص ۲۴۳.

^۳ - ابن نما حلی، در سوگ امیر آزادی (ترجمه مثیر الأحزان)، ص ۳۰۴.

^۴ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶.

^۵ - نساء: ۵.

^۶ - احزاب: ۳۲.

استفاده از قول معروف است، و بگویند سخن پسندیده، یعنی سخنی که بدون تهمت باشد و موافق آیین اسلام است.^۱ یعنی سخن معمول و راست بگویند، سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده است، و آن سخنی می باشد که تنها آنچه به آن دلالت شده است را برساند.^۲ جناب آقای طبرسی ذیل آیه ۵ سوره نساء تعریف خوبی از قول معروف ارائه داده اند که کار ما را راحت می کند ایشان می فرمایند «معروف» گفتار و یا کرداری است که مردم به خاطر این که از نظر عقل و شرع نیکوست آن را دوست دارند و «منکر» گفتار و یا کرداری است که آن را به خاطر زشتی اش نمی پسندند،^۳ یکی از ویژگی های بارز قول معروف شیوایی و رسایی سخن می باشد، یکی از ویژگی های سخنان حضرت زینب (سلام الله علیها) همین ویژگی شیوایی و رسایی بوده است به گونه ای که دوست و دشمن بعد از شنیدن سخنان ایشان به این حقیقت اعتراف کرده اند و از این خصوصیت سخن حضرت زینب (سلام الله علیها) به شگفتی آمده اند، در ماجرای خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در ورود به شهر کوفه راوی نقل می کند که پس از این خطبه مردم کوفه را دیدم که حیرت زده انگشتان دستان خود را می گزند، پیرمرد مسنی را در کنار خودم دیدم که از شدت اشک محاسن سفید او پر از اشک شده بود، و به سوی آسمان دست بلند کرده بود و می گفت پدر و مادر من به فدای شما شوند، پیرهای شما بهترین سالمندان و زنان شما بهترین زنان هستند،^۴ همچنین در تأیید این مطلب گواهی جناب خدیم اسدی کافی است که بعد از خطبه کوبنده حضرت در کوفه گفت: به خداوند قسم که هیچ بانویی سخنورتر از حضرت زینب (سلام الله علیها) ندیدم، آن حضرت چنان سخن می گفت و خطبه می خواند که گویی حضرت علی (علیه السلام) دارند خطبه می گویند و سخنرانی می کنند.

نتیجه گیری

همه ی ما انسان ها خواهان زندگی سرشار از نشاط و صفا و صمیمیت هستیم و برای رسیدن به این ایده آل به دنبال راهکارهایی می باشیم. در این زمینه تحقیقات زیادی صورت گرفته و کتب و مقالات فراوانی نوشته شده است، اما در میان انبوه تحقیقات آنچه که قطعاً سبب هدایت و خیر برای انسان ها می شود دستورات ناب قرآن کریم می باشد که می توان از آن به عنوان کتابی انسان ساز در همه ی عصرها و زمان ها استفاده کرد. حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) به عنوان عقیده ی بنی هاشم نیز الگوی انسان کامل برای ما مسلمانان و حتی تمامی جهانیان می باشد.

۱ - طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۰، ص ۱۰۷.

۲ - طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۱.

۳ - طبرسی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۵۵۴.

۴ - جمعی از نویسندگان، حضرت زینب (سلام الله علیها) الگوی اندیشه ورزی و مسئولیت پذیری، ص ۱۳۱.

بنابراین اگر خواهان ارتباطاتی سالم و موفق و همچنین سخنانی نافذ و گیرا هستیم تا بوسیله آن در اجتماع محبوب و محترم و تأثیرگذار باشیم باید از این دو الگوی ناب بهره ببریم، زیرا که بخش عظیمی از موفقیت انسان را چگونگی ارتباط او با سایر انسان‌ها می‌سازد.

در این مقاله به مطالبی که مستند به آیات سراسر نور قرآن کریم و خطبات حضرت زینب (سلام الله علیها) هستند و بار تعلیمی و آموزشی دارد اشاره شده است. اینکه آداب اخلاقی گفتگو کدامند و ما در برخوردمان با اطرافیان خود چقدر مقید به رعایت این آداب هستیم از جمله اهدافی است که این مقاله دنبال میکند. آنچه که از آداب اخلاقی گفتگو در آیات قرآن کریم آمده و همچنین در سخنان و خطبه‌های حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) مشاهده شده است و از این نظر برای بنده حائز اهمیت بوده را جمع آوری و نکات مهم آن در این مقاله به نگارش درآمده است.

به همین جهت در تعالیم اسلام ناب محمدی، سفارشات به ما مسلمانان رسیده که کامل کننده‌ی اخلاق و یاری‌گر انسان در زندگی می‌باشد و بر انسان مسلمان لازم است که آن آداب را رعایت کند. از جمله مهم‌ترین آداب اخلاقی گفتگو حقیقت‌گویی و سخن استوار گفتن و از کلمات تند به جا استفاده کردن است، چیزی که از سیره‌ی حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) به ما رسیده این است که آن حضرت با آن همه مصائبی که در روز عاشورا بر ایشان وارد شد و مشاهده کردند، باز هم آنچنان محکم و استوار در شهر کوفه، دارالاماره کوفه و در شام سخنوری کردند که همه‌ی مردمان کوردل علاوه بر غبطه بر صلابت و استواری ایشان، به یاد خطبه‌ی فدکیه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و خطبه‌ها و سخنان گهربار امیرالمومنین علی (علیه السلام) افتادند. اینکه حضرت زینب (سلام الله علیها) به ابن مرجانه صراحتاً گفتند که در روز عاشورا جز زیبایی ندیدند، این سخن آن بردباری و صبری را می‌رساند که ملکه شده برای ایشان و گرنه با آن همه مصیبت اگر کسی می‌نشست و بلند بلند گریه میکرد عجیب نبود. اینکه ایشان مثل مردم کوفه را مثل زنی می‌زنند که صبح‌ها ریسمان‌های محکمی می‌بافد و شب هنگام آنها را از هم باز می‌کند، بدعه‌ی کوفیان را به رخ آنها می‌کشد، آنها دوازده هزار نامه به مولای خود نوشتند و لحظه‌ی آخر بنده‌ی سیم و زر ابن مرجانه شدند، این حقیقتی بود که حضرت بدون واهمه برای آنان بیان کردند.

وقتی حضرت زینب (سلام الله علیها) با آن صلابت و استواری کسی را که همه از ترسشان امیرالمومنین میگفتند را یزید خطاب کردند، این همان ادب استواری در سخن و استفاده بجا از کلمات تند می‌باشد.

در پایان باید گفت تلاش شد تا در این مقاله مطالبی از آداب اخلاقی گفتگو براساس آیاتی از کلام الله مجید و سیره‌ی حضرت زینب (سلام الله علیها) نوشته شود تا آن شاء الله با رعایت آنها بتوانیم علاوه بر رفتار در گفتار و سخنرانی و خطابه خود هم شبیه‌تر به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شویم.

پیشنهاد می‌شود در زمینه‌ی آداب اخلاقی گفتگو تحقیقات بیشتری صورت بگیرد، در این زمینه گفت‌گوها، مناظرات و خطبات معصومین (علیهم السلام) مورد توجه قرار بگیرد و مقالاتی با زیست عملی ائمه معصوم

(علیهم السلام) نوشته شود، به عنوان نمونه آداب گفتگو مسئولان حکومتی با مردم با توجه به سیره‌ی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نوشته شود، همچنین پیشنهاد می‌شود آداب مورد نیاز اقشار مختلف اجتماعی با توجه به حرفه و فعالیت آن‌ها با پژوهش در رفتار و گفتار ائمه معصومین (علیهم السلام) تهیه شود و در اختیار آن‌ها قرار گیرد، تا ان شاء الله ارتباطات ما در جامعه مؤثر و صحیح باشد و مورد رضایت و عنایت پروردگار متعال قرار بگیرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، در سوگ امیر آزادی (ترجمه مثیر الأحزان)، کرمی، علی، انتشارات حاذق، تهران - قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، غم نامه کربلا / ترجمه اللهوف علی قتلی الطفوف، محمدی اشتیاردی، محمد، نشر مطهر، ایران - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۴. _____ اللهوف علی قتلی الطفوف، الشیخ فارس تبریزیان، انتشارات دارالاسوه للطباعة و النشر، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
۵. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، داوودی، صفوان عدنان، دارالشامیه، لبنان - بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۶. پاکتچی، احمد، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، انتشارات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ایران - تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۷. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، موسسه التاريخ العربی، لبنان - بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق.
۸. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، انتشارات موسسه انتشارات هجرت، ایران - قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۹. جمعی از نویسندگان مدرسه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها، حضرت زینب سلام الله علیها الگوی اندیشه ورزی و مسئولیت پذیری، همیاران جوان، چاپ اول.
۱۰. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، بهبودی محمد باقر، انتشارات لطفی، ایران - تهران، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، به قلم گروهی از نویسندگان، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ایران - تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.

۱۲. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العبادۀ، رضا خانی، محمد، سر الاسرار، ایران - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، موسوی، محمد باقر، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ایران - قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج / ترجمه جعفری، جعفری، بهراد، انتشارات اسلامی، ایران - تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، عبدالحمیدی، علی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ایران - مشهد مقدس، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۱۶. _____، ترجمه تفسیر مجمع البیان، نوری همدانی، حسین، انتشارات فرهانی، ایران - تهران، چاپ اول، ۱۳۵۰ ش.
۱۷. طیب، عبد الحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، ایران - تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۹
۱۸. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، عزیزالله علیزاده، انتشارات راه رشد، ایران - تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات آدنا، ایران - تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، انتشارات دار الکتب الاسلامیة، ایران - تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۲۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، انتشارات مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ایران - تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار (ط-بیروت)، دار إحياء التراث العربی، لبنان - بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. مشکور، محمد جواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، انتشارات نیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، ۱۳۵۷ ش.
۲۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، جمعی از محققان، بوستان کتاب قم، ایران - قم، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. _____، فرهنگ قرآن، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ایران - قم، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.